



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## بررسی آثار تنبیه بدنی بر روی دانش آموزان از دید روانشناسان

نازنین گنجعلی<sup>۱</sup>، طاهره شه بخش<sup>۲</sup>، حسنیه زابلی<sup>۳</sup>، فاطمه شهرکی<sup>۴</sup>، ارمیتا ایرندگانی<sup>۵</sup>

۱- لیسانس روانشناسی، دانشگاه پیام نور

۲- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت زاهدان

۳- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت زاهدان

۴- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت زاهدان

۵- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت زاهدان

[nazaninganjali752@gmail.com](mailto:nazaninganjali752@gmail.com)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی آثار تنبیه بدنی بر روی دانش آموزان از دید روانشناسان انجام شد. تنبیه بدنی یکی از چالش‌های اصلی دسترسی عادلانه مدارس ابتدایی و پس از دبستان به آموزش باکیفیت است. در حال حاضر تعداد زیادی از دانش آموزان ترک تحصیل کرده‌اند. آموزش و پرورش نقش بسزایی در ساختار اجتماعی یک جامعه دارد و مدارس به‌عنوان سازمان‌های اصلی آموزش و تربیت، مکانی برای شکوفایی دانش آموزان و ترسیم آینده اجتماعی آنان هستند. در این راستا، اهمیت توسعه روش‌های آموزشی مؤثر و مثبت در مدارس بی‌پایان است؛ اما یکی از مسائلی که مدت‌ها در دستور کار آموزش و تربیت قرار گرفته و به‌صورت متقدم یا غیر متقدم در مدارس اجرا می‌شود، تنبیه بدنی است. تنبیه بدنی به‌عنوان روشی که از جسمانی کردن تنبیه‌ها و اجرای انواع تنبیه‌های جسمانی برای کنترل رفتار دانش آموزان استفاده می‌کند، اما با ایجاد مواجهه‌ها و انتقادات زیادی مواجه شده است. از این‌رو، بررسی تأثیرات و ضرورت تنبیه بدنی در مدارس امری ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به تحقیقات و شواهد موجود، به نظر می‌رسد که استفاده از تنبیه بدنی در مدارس ممکن است آثار منفی بر روی دانش آموزان داشته باشد و این روش به‌عنوان یک راهکار مطلوب برای مدیریت رفتارهای نامناسب نمی‌تواند توصیه شود.

**کلمات کلیدی:** تنبیه بدنی، دانش آموزان، مدرسه، ابتدایی، روانشناس



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

فرآیند آموزش و پرورش نقش حیاتی در تکوین افراد و جوامع ایفا می‌کند. دوران دبستان به‌عنوان یکی از مراحل اصلی این فرآیند، مرحله مهمی در زندگی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. در این مرحله، اهمیت آموزش مهارت‌ها و دانش‌های اساسی به‌خصوص برای کودکان نه‌تنها در جهت رشد فردی و تحصیلی آن‌ها بلکه برای شکل‌گیری اخلاقی و اجتماعی آن‌ها نیز بی‌نظیر است. یکی از ابزارهای مهم در مدیریت رفتار دانش‌آموزان در این دوران، تنبیه بدنی است. تنبیه بدنی به‌عنوان یکی از ابزارهای مدیریتی در آموزش دانش‌آموزان مطرح است. این تنبیه‌ها شامل اقدامات جسمی مانند تکوین‌های بدنی، تنبیه‌های جسمی، یا اخراجی از مدرسه می‌شوند (پور جمال، ۱۴۰۲). اگرچه تنبیه بدنی ممکن است به‌عنوان راهی برای تنظیم رفتار و افزایش ترتیب و انضباط در محیط آموزشی مورد استفاده قرار گیرد، اما این موضوع همچنین با پرسش‌ها و ابهامات متعددی همراه است.

آیا تنبیه بدنی می‌تواند بهبودی در رفتار و عملکرد دانش‌آموزان داشته باشد یا باعث ایجاد اثرات منفی بر روان و جسمی آن‌ها شود؟ چه اثرات روانی و اجتماعی این اقدامات در طولانی‌مدت دارد؟ آیا تنبیه بدنی با نقض حقوق کودکان همراه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و بررسی تأثیرات تنبیه بدنی در زمینه آموزش ابتدایی، لازم است به تحقیقات علمی در این زمینه و نظرات مختلف درباره آن توجه کنیم. همچنین، مطالعه مقررات و راهنمایی‌های مورد استفاده در مدارس و نظام‌های آموزشی مختلف نیز می‌تواند به ما کمک کند تا به بهترین شیوه‌های ممکن برای مدیریت رفتار دانش‌آموزان در محیط دبستان دست‌یابیم.

آموزش و پرورش نقش بسزایی در ساختار اجتماعی یک جامعه دارد و مدارس به‌عنوان سازمان‌های اصلی آموزش و تربیت، مکانی برای شکوفایی دانش‌آموزان و ترسیم آینده اجتماعی آنان هستند. در این راستا، اهمیت توسعه روش‌های آموزشی مؤثر و مثبت در مدارس بی‌پایان است؛ اما یکی از مسائلی که مدت‌ها در دستور کار آموزش و تربیت قرار گرفته و به‌صورت متقدم یا غیر متقدم در مدارس اجرا می‌شود، تنبیه بدنی است. تنبیه بدنی به‌عنوان روشی که از جسمانی کردن تنبیه‌ها و اجرای انواع تنبیه‌های جسمانی برای کنترل رفتار دانش‌آموزان استفاده می‌کند، اما با ایجاد مواجهه‌ها و انتقادات زیادی مواجه شده است. از این‌رو، بررسی تأثیرات و ضرورت تنبیه بدنی در مدارس امری ضروری به نظر می‌رسد (درخشان و همکاران، ۱۴۰۱).

تنبیه بدنی به‌عنوان یک روش تأدیبی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به کودکان و دانش‌آموزان در مدارس و خانواده‌ها اعمال می‌شود. با این حال، تأثیرات این روش بر روی فرآیند یادگیری دانش‌آموزان هنوز موضوعی پرسش‌برانگیز است. با توجه به تحقیقات اخیر، مشخص شده است که تنبیه بدنی می‌تواند تأثیرات منفی بر روی فرآیند یادگیری داشته باشد. تنبیه بدنی ممکن است باعث ایجاد استرس و نگرانی در دانش‌آموزان شود که می‌تواند به کاهش تمرکز و توجه آن‌ها منجر شود. همچنین، تنبیه بدنی می‌تواند در فرآیند یادگیری دانش‌آموزان از محتوای آموزشی مختلف نقصان بخشیده و باعث ایجاد ترس از یادگیری در آن‌ها شود. به علاوه، مشخص شده است که تأثیرات تنبیه بدنی بر روی دانش‌آموزان به‌شدت متغیر است و ممکن است این تأثیرات بسته به سن، جنسیت، فرهنگ و شرایط محیطی فرد متفاوت باشد. به‌طور کلی، با توجه به تحقیقات اخیر، مشخص است که تنبیه بدنی می‌تواند تأثیرات منفی بر روی فرآیند یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. لذا، بهتر است از روش‌های دیگری برای تأدیب کودکان و دانش‌آموزان استفاده شود که به آن‌ها کمک کند از نظر روانی و رفتاری سالم باشند و همچنین به بهبود فرآیند یادگیری آن‌ها کمک کند. آموزگاران در مدارس و والدین در منازل از تنبیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل رفتار و انضباط دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. از دیدگاه روان‌شناختی، تنبیه به هر چیزی گفته می‌شود که وقوع یک



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رفتار را کاهش دهد. درد جسمانی، کنار گذاشتن توجه، از دست دادن چیزها یا فعالیت‌ها، تویخ یا حتی چیزی که دیگران آن را پاداش می‌دهند، اما فرد خاص آن را دوست ندارد (Rosenberg, ۲۰۰۲ & Lefton, ۲۰۰۲; Kosslyn).

یکی از اهداف اصلی تنبیه ایجاد ترس در دانش‌آموز است تا این رفتار دوباره تکرار نشود. در مدرسه، آموزگاران دانش‌آموزان را به دلیل دیر رسیدن به مدرسه، رعایت نکردن قوانین مدرسه، انجام ندادن تکالیف کلاسی و عدم عملکرد بهتر در آزمون‌ها و امتحانات و موارد مشابه تنبیه می‌کنند (پور جمال، ۱۴۰۲).

نوع تنبیهی که در پاسخ به این رفتارها داده می‌شود عبارت‌اند از: چوب زدن کودک، انجام کارهای بدنی مانند آبیاری باغات مدرسه، کشاورزی، زانو زدن روی سنگ‌های سیمانی، راه رفتن روی زانو، انجام حرکات فشاری زیر نور خورشید و حمل چند سطل ماسه. مدرسه تنها جایی نیست که کودکان در آن تنبیه می‌شوند. در خانه هم وقتی به مدرسه نمی‌روند توسط پدر و مادرشان کتک می‌زنند، دزدی و امثال این‌ها می‌کنند. کودکان در خانه توسط والدین خود از طریق انکار غذا، سوزاندن دست‌ها با آتش برای دزدی و بدرقه شدن از خانه برای خوابیدن در بوته تنبیه می‌شوند (URT, ۲۰۰۶).

علیرغم اینکه تنبیه فن مناسب برای کنترل رفتار و انضباط دانش‌آموزان به نظر می‌رسد، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک ادعان کرده است که تنبیه بدنی آموزگاران و والدین در مدارس و خانه‌ها ناکارآمد، خطرناک و غیرقابل قبول به نظر می‌رسد. روش نظم و انضباط زیرا تأثیرات منفی به جای مثبت برای یادگیرندگان به ارمغان می‌آورد. با توجه به این تأثیرات، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل تنبیه بدنی را ممنوع اعلام کرد. بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹) ضرورت اطمینان از اجرای نظم و انضباط مدرسه را به گونه‌ای بیان می‌کند که باکرامت انسانی کودک و مطابق با این کنوانسیون سازگار باشد؛ بنابراین، مجازات شدید در این زمینه فراتر از نقض حقوق اساسی کودک است زیرا ممکن است باعث درد، آسیب، تحقیر، اضطراب و خشم شود که می‌تواند اثرات روانی طولانی‌مدت داشته باشد (TEN/Met, ۲۰۰۸).

با توجه به این واقعیت، کمیته حقوق کودک، نهاد ناظر کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد تأکید کرده است که حقوق بشر مستلزم حذف کلیه مجازات‌های بدنی هر چند سبک و سایر مجازات ظالمانه یا تحقیرکننده است. در واکنش به این کنوانسیون، چندین کشور اعلام کرده‌اند که تنبیه بدنی در مدارس را لغو می‌کنند. علیرغم تغییرات در قوانین مربوط به تنبیه بدنی، اعمال تنبیه بدنی هنوز در مدارس برخی کشورها رایج است که در آن دانش‌آموزان را کتک می‌زنند، لگد می‌زنند، سیلی می‌زنند، به دیوار پرتاب می‌کنند و تحقیر می‌کنند. این وضعیت تأثیرات منفی زیادی بر یادگیری و سلامت روانی کودک دارد (Vagins, ۲۰۱۰ & Murphy).

## انواع مجازات

تنبیه بدنی در مدارس به معنای استفاده از تنبیه‌های جسمانی مانند ضرب و شتم، دست‌به‌دست کردن، یا سایر اقدامات جسمانی برای کنترل رفتار دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مسئله با ایجاد انتقادات و نگرانی‌های زیادی در مورد تأثیرات آن بر سلامت روحی و جسمانی دانش‌آموزان مواجه شده و به‌عنوان یک مسئله حیاتی در حوزه آموزش و پرورش به شمار می‌رود. بررسی اثرات تنبیه بدنی در مدارس بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا این تمرین‌ها به‌طور مستقیم بر توانایی یادگیری، رشد روحی و جسمانی و توسعه اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. همچنین، تدابیر مؤثری برای جلوگیری از سوءاستفاده از تنبیه بدنی و ارتقاء روش‌های تربیتی مثبت و سازنده در مدارس ضروری است. این مقاله به‌منظور افزایش آگاهی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و بهبود کیفیت آموزش و تربیت در محیط مدرسه تلاش می‌کند و اهمیت بررسی تنبیه بدنی در مدارس را به‌وضوح مورد تأکید قرار می‌دهد.

دو نوع اصلی مجازات وجود دارد، مجازات مثبت و منفی. تنبیه مثبت به تنبیهی اطلاق می‌شود که با اعمال محرک‌های نفرت‌انگیز، احتمال عود رفتار را کاهش می‌دهد. در این نوع تنبیه، بروز رفتار با ارائه محرک بدی همراه است و در نتیجه احتمال بروز رفتار در آینده کمتر می‌شود. نمونه‌ای از تنبیه مثبت سیلی زدن است. سیلی زدن به‌عنوان یک تنبیه مثبت در نظر گرفته می‌شود، زیرا شامل ایجاد درد می‌شود تا به کودک بیاموزد که بدرفتاری نکند. از سوی دیگر، تنبیه منفی به تنبیهی اطلاق می‌شود که با حذف یک محرک لذت‌بخش، احتمال وقوع رفتار را کاهش می‌دهد. به این معنی که وقوع رفتار با حذف یک محرک تقویت‌کننده دنبال می‌شود و در نتیجه احتمال وقوع رفتار در آینده کمتر است. نمونه‌ای از تنبیه منفی زمانی است که آموزگار کودکی را به دلیل بدرفتاری از کلاس حذف می‌کند یا زمانی که والدین در مدرسه نمره ضعیفی می‌گیرند کودک را از تماشای تلویزیون منع می‌کند. (Westen, ۱۹۹۹)

## تنبیه بدنی

تنبیه بدنی یکی از چالش‌های اصلی دسترسی عادلانه مدارس ابتدایی و پس از دبستان به آموزش باکیفیت است. در حال حاضر تعداد زیادی از دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده‌اند. این وضعیت نامطلوب به دلیل مشکلات زیادی از جمله استفاده رایج در مدارس از تنبیه بدنی است. نرخ بالای ترک تحصیل نه‌تنها برای نرخ فارغ‌التحصیلی بلکه برای دستیابی مدارس به برابری جنسیتی نیز چالش‌برانگیز است. در حالی که تنبیه بدنی، دختران بیشتر از بی‌توجهی و آزار و اذیت کودک رنج می‌برند. «هر مجازاتی که توسط قدرت برای ایجاد درد یا ناراحتی استفاده شود، در حالی که روشن باشد، توسط کمیته حقوق کودکان سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶، به‌عنوان تنبیه بدنی توصیف شده است.»

اصطلاح «تنبیه بدنی» یا «تنبیه بدنی» به معنای هر تنبیهی است که ممکن است شامل لگزدن، ضربه زدن، مشت زدن، کتک زدن نوزاد، دست یا ابزار کودک (چسبیدن، بستن کمربند، کفش، قاشق چوبی و غیره) باشد که منجر به هر درجه‌ای از درد شود. یا ناراحتی تنبیه بدنی امکان تنبیه بدنی مانند رنج عمدی و انتقام احتمالی برای بی‌عدالتی یا قصاص یا دگرگونی افراد خاطی یا داشتن رفتارهای ناخوشایند را فراهم می‌کند. این کلمه معمولاً به معنای مجازات فرد خاطی در محیط‌های خصوصی، آموزشی یا قضایی با دست یا ابزار باز است (Hyman, ۱۹۹۵).

تنبیه بدنی را می‌توان به‌عنوان «استفاده از نیروی فیزیکی برای اصلاح یا کنترل رفتار کودک برای ایجاد درد اما نه آسیب» توصیف کرد. گرشوف (۲۰۰۲) بیشتر توضیح می‌دهد که تنبیه بدن به‌عنوان اعمالی گفته می‌شود که آسیب جدی نمی‌بیند (مانند سیلی زدن، سیلی زدن) به‌عنوان خشونت فیزیکی در نظر گرفته می‌شود، در مقابل فعالیت‌هایی که باعث آسیب می‌شوند (مانند مشت زدن، سوزاندن). (Gershoff, ۲۰۲۲).

تنبیه معمولاً شامل نوعی درد است، یک فن انضباطی که در آن، پس از یک اشتباه، اصلاحات ناخوشایند یا سازنده از نظر پیترسون (۱۹۸۲) خودداری می‌شود تا در آینده با بروز کمی اتفاق بیفتد. همه آن اقدامات انضباطی سختگیرانه که توسط والدین مستبد / سرکوبگر و آموزگاران کودکان انجام می‌شود منجر به رفتارهای ضداجتماعی، شکست دانشگاه و طرد اجتماعی می‌شود. هر دو علامت همچنین باعث کاهش عزت‌نفس و تشدید افسردگی می‌شوند که در واقع به خطر جنایت جوانان کمک می‌کند (Patterson ۱۹۸۲).



## تنبیه بدنی در مدارس

تنبیه بدنی مشمول قانونی است که والدین را موظف می‌کند که مدرسه به دانش‌آموزان مانند والدینشان حق دارد. مقامات رسمی باید شفاف‌سازی کنند، در مناطقی که تنبیه بدنی مجاز است، چه چیزی می‌تواند به‌عنوان یک اقدام انطباق استفاده شود. اعضای کارکنان مسئول سکنه‌های مغزی هستند و تصمیم گرفته می‌شود که آیا با آن‌ها تماس گرفته شود یا به والدین یا سرپرستان سکنه‌ها اطلاع داده شود. بستگی به برنامه‌ریزی دقیق قوانین و اجرای دقیق آن‌ها دارد. این به آن‌ها اجازه می‌دهد تا قانون را تحت پیگرد قانونی قرار دهند (Hyman, ۱۹۹۵).

تنبیه بدنی تحقیر عمدی یک نوزاد متخلف است. کودکان ممکن است از هر بیماری رنج ببرند، اما این نوعی تنبیه غیر فیزیکی است. سلامت آن‌ها قابل توجه است. اگر کودک در حین زخم درد داشته باشد، درد عمداً ایجاد نمی‌شود، بلکه در فرآیندهای بهبود و آسیب اعمال می‌شود. تنبیه بدنی صرفاً در اجرای مجازات است. (McCord, ۱۹۹۱)

تنبیه بدنی در تحقیقات متعددی مورد توجه قرار گرفته و گنجانده شده است که منجر به اعمال غیرقانونی مانند سرقت، فرار از مدرسه، فرار و رفتار مدرسه و همچنین رفتارهای اجتماعی مانند فریب، دزدی و قلدری می‌شود. وقتی آموزگاران و والدین به دنبال کاهش رفتار کودک خود هستند، تنبیه بدنی ظاهر می‌شود. هایمن (۱۹۹۵) خاطرنشان کرد که مدعیانی وجود دارند که فکر می‌کنند اهمیت تنبیه شرکتی برای آموزش بسیار مهم است و مزیت آن برای کودکان کتک زدن و ضرب و شتم است زیرا ارزش‌های احترام به والدین و آموزگاران در صورت عدم سیلی قابل دستیابی نیست. ارزش‌ها به شرح زیر است: عشق به والدین و آموزگاران، حس خوب و بدترین (Hyman, ۱۹۹۵).

علاوه بر این، هایمن (۱۹۹۵) می‌پذیرد که شواهدی مبنی بر اینکه تنبیه بدنی در مدارس به نظم و انضباط بهتر کمک می‌کند، ایجاد اخلاق در کودکان را بهبود می‌بخشد، یا احترام آموزگاران یا سایر اقتدارها را توسط دانش‌آموزان افزایش می‌دهد، روشن نیست. از آنجایی که کودک را به روش صحیح و بدون استفاده از اعمال جایگزین تربیت نمی‌کند.

بیشتر مربیان با چالش‌های انضباطی فراتر از دانش و مهارت‌های خود مواجه هستند. آموزگاران سعی کرده‌اند در پاسخ به این نیاز، راه‌حلی برای برخی از مسائل رشته‌ای بیابند. به‌عنوان مثال، برخی مدارس به‌جز تنبیه بدنی در معرض جایگزین‌هایی قرار می‌گیرند که برای جامعه آن‌ها مفید است، مانند کارگروه بعدازظهر شنبه، مشروبات الکلی سالم و توصیه والدین، انتقال دانش‌آموزان به مدارس تأییدشده یا مداخله پلیس در موارد جنایت شدید (Hyman, ۱۹۹۵).

رافرتی و گریفینز (۱۹۹۶) معتقد بودند که تنها راه حل برای یک جرم شدید، درمان است و نه تنبیه بدنی. تعلیق تنها در صورتی می‌تواند مورداستفاده قرار گیرد که مهاجم برای دانش‌آموزان دیگر مورد آزار و اذیت قرار دهد یا مثالی منفی ارائه دهد. همچنین رویکردهای مختلفی را برای رفتار مخرب مطرح کرده‌اند. رفتار خوب، اگرچه رفتار بد، باید پاداش داده شود. مشاوره همچنین می‌تواند توسط مدیران مدرسه و خدمات شبانی استفاده شود. آموزگاران به‌عنوان راهنما و مشاور برای دانش‌آموزان دارای مشکل عمل می‌کنند. آن‌ها همچنین انضباط کنندگان افرادی هستند که نگران اقدامات هستند. انضباط نادرست ممکن است شامل دستگیری یا تعلیق باشد. (Rafferty and Griffins, ۱۹۹۶).

گیچورو (۲۰۰۴) پیشنهاد کرد که آموزگاران به دنبال یک تاکتیک انضباطی برای لغو این امتیازات باشند. آموزگاران همچنین می‌توانند برنامه‌هایی را انتخاب کرده و از آن‌ها بهره ببرند که برای دانش‌آموزان مفید است. چنین رویدادهایی شامل گروه بحث، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای آموزشی یا شعر برای اهداف آموزشی است. (Gichuru, ۲۰۰۴).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## نظریه‌های مجازات

سه نظریه وجود دارد که مجازات را در مورد یادگیری توصیف می‌کند. تئوری‌های اصلاح، تلافی و بازدارندگی. نظریه اصلاح، مجازات را تنها راه ممکن برای اصلاح یا بازآفرینی یک فرد می‌داند. فرض بر این است که تنبیه اثرات اصلاحی بر یادگیری دارد. به همین ترتیب، این نظریه فرض می‌کند که پس از اجرای مجازات، رفتار بد سرکوب می‌شود، زیرا فرد مجازات تظاهر به تکرار رفتار نادرست نخواهد کرد. (Tarimo, ۲۰۰۶)

در مقابل، تئوری قصاص نظریه‌ای است که بر قانون قصاص یعنی انتقام استوار است. این میل است که بینیم دیگران به خاطر عمل اشتباه خود رنج می‌برند یا مجازات می‌شوند. بر اساس این نظریه، اگر تنبیه بدنی منجر به جراحت یا مرگ شود، این وضعیت شورش، مقاومت، انتقام و رنجش را برای قربانیان تقویت می‌کند. تئوری قصاص اصرار دارد که تنبیه شدید ممکن است باعث ایجاد روابط منفی بین دانش‌آموز و آموزگار شود، زیرا دانش‌آموز می‌تواند راه‌های متفاوتی برای مقابله به مثل (چشم در برابر چشم یا دندان در برابر مفهوم دندان) برای عملی که مجازات شده است بیابد. (Cicognani, ۲۰۰۴)

نظریه بازدارندگی مجازات بر این فرض استوار است که در صورت مشاهده یا شنیدن مجازات شدید مجرمان، در آینده از انجام آن جرم خودداری خواهند کرد. همچنین فرض می‌کند که تنبیه خشونت‌آمیز دانش‌آموز در مقابل دیگران، درس‌آموزی برای دانش‌آموزان دیگر خواهد بود. در جامعه آموزشی آموزگاران و قضات با این جمله که «ما شما را به خاطر انجام این تخلف مجازات می‌کنیم تا درسی برای دیگرانی باشد که رفتار نادرست دارند» مجازات سختی برای افرادی که مرتکب تخلف می‌شوند، در نظر می‌گیرند. (Cicognani, ۲۰۰۴)

گرشوف (۲۰۰۲) دو نظریه را اضافه می‌کند که مجازات را توضیح می‌دهد. تئوری اسناد و کنترل اجتماعی نظریه اسناد بیان می‌کند که ارتباط بین تنبیه بدنی و رفتار بزهکارانه یا ضداجتماعی کودک ناشی از ناتوانی تنبیه بدنی در تسهیل درونی سازی اخلاقی و ارزشی کودکان است. درحالی‌که تئوری کنترل اجتماعی نشان می‌دهد که تنبیه بدنی والدین روابط والدین-کودک را از بین می‌برد و به نوبه خود انگیزه کودک را برای درونی کردن ارزش‌های والدین و ارزش‌های جامعه کاهش می‌دهد که به نوبه خود منجر به کنترل پایین‌تر خود می‌شود. (Gershoff, ۲۰۲۲).

## استدلال موافق و مخالف استفاده از مجازات

افراد مختلف مانند آموزگاران، والدین و سایر مربیان نظرات متفاوتی در مورد مجازات دارند. کسانی هستند که از استفاده از تنبیه به‌ویژه تنبیه بدنی حمایت می‌کنند و مخالف هستند. کسانی که از استفاده از تنبیه حمایت می‌کنند، معتقدند که اگر کودکان تنبیه نشوند، به شهروندانی غیرقابل کنترل و غیرقابل کنترل تبدیل می‌شوند. برای مثال، در کلاس‌های بزرگ، زمانی که آموزگاران در حفظ سکوت و دستورالعمل‌ها مشکل دارند، تنبیه را روشی مناسب برای برخورد بانظم می‌دانند. (Gershoff, ۲۰۲۲).

در این زمینه آموزگاران بر این باورند که دانش‌آموزان بدون استفاده از تنبیه بدنی سکوت نخواهند کرد و بر یادگیری تمرکز نخواهند کرد. علاوه بر این، برخی از والدین احساس می‌کنند که خودشان مجازات می‌شوند و بنابراین مدارس باید به این سبک از تنبیه ادامه دهند. در جنوب آسیا، کنیا و بوتسوانا، تنبیه اغلب برای تربیت کودکان، تسهیل یادگیری و القای نظم و انضباط ضروری تلقی می‌شود. در برخی از کشورها مانند استرالیا، آموزگاران از ممنوعیت تنبیه بدنی ناراضی هستند و می‌ترسند که باعث شود دانش‌آموزان پرخاشگرتر شوند. (Cicognani, ۲۰۰۴)



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

افرادی که مخالف استفاده از تنبیه بدنی هستند، اثرات مضر تنبیه (تنبیه بدنی) را نه تنها در دوران کودکی ماندگار می‌دانند، بلکه اغلب تا بزرگسالی نیز باقی می‌مانند. آن‌ها همچنین معتقدند که تنبیه کودکان را غیرانسانی می‌کند، حق کودکان را برای حمایت برابر تحت قانون نقض می‌کند و پیامدهای منفی به جای مثبت برای کودکان دارد. آن‌ها عموماً بر این باورند که تنبیه کودکان را بی‌ارزش، ترسان و شرم‌ناک می‌کند، پرخاشگری کودک را افزایش می‌دهد، رفتار ضداجتماعی را افزایش می‌دهد، دستاوردهای فکری را کاهش می‌دهد و می‌تواند منجر به مشکلات سلامت روان شود؛ بنابراین، آن افراد از کمپین لغو تنبیه بدنی حمایت و حمایت می‌کنند. برخی از کشورها نمایندگان مجلس خود را متقاعد می‌کنند که اقدامات قانونی و حمایتی لازم برای لغو کلیه مجازات بدنی را اتخاذ کنند. تنبیه بدنی کودکان در مدرسه در حال حاضر در (۱۰۸ کشور) بیش از نیمی از کشورهای جهان ممنوع است. (Gazzaniga, ۲۰۰۳)

## راهنمای استفاده درست از تنبیه

اکثر روانشناسان بر این باورند که تنبیه، به‌ویژه تنبیه بدنی، روشی ضعیف برای از بین بردن رفتارهای ناخواسته در بیشتر موقعیت‌ها است. با این حال، مواقعی وجود دارد که ممکن است برای مدیریت رفتار یک کودک یا حتی بزرگسال دیگر، تنبیه لازم باشد. هنگامی که باید از تنبیه استفاده شود، این دستورالعمل‌ها را باید در نظر داشت:

یکی از نکات مهم این است که تنبیه‌کننده بدون اینکه توهین‌آمیز باشد باید مطمئن شود که تنبیه بلافاصله و به اندازه کافی قابل توجه است تا پاسخ نامطلوب را از بین ببرد. برای آموزگار یا والدین مهم است که تنبیه را مستقیماً پس از ارتکاب اشتباه دانش‌آموز اجرا کنند، نه ساعات دیروقت. این کار باید به منظور حفظ رابطه واضح بین رفتار ناخواسته و تنبیه انجام شود. با این حال، کون (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که اعمال تنبیه در حین یا بلافاصله پس از بدرفتاری همیشه امکان‌پذیر نیست؛ اما در مورد کودکان بزرگ‌تر و بزرگسالان، یک تنبیه‌کننده می‌تواند بابتان واضح اینکه چه اقدامی را تنبیه می‌کنید، تأخیر را برطرف کند. در واقع اثربخشی مجازات بستگی زیادی به زمان‌بندی دارد. مجازاتی که بلافاصله پس از پاسخ صادر می‌شود مؤثرترین است. هر چه تأخیر بین پاسخ و تنبیه بیشتر باشد، تغییراتی که مجازات با سایر رویدادهای مداخله‌گر مرتبط می‌شود، بیشتر می‌شود (Rubin, ۱۹۷۷ & McNeil).

برای اطمینان از اثربخشی آن، تنبیه باید همراه با توضیحی در مورد اینکه چرا کودک تنبیه می‌شود و چگونه می‌توان از آن برای آینده اجتناب کرد و یا اینکه چه نوع رفتاری مناسب است، همراه باشد. آموزگار یا والدین باید این اطلاعات را قبل از اجرای تنبیه بدهند اما نه بعد از اجرای مجازات. ارائه توضیحات به جلوگیری از ایجاد ترس عمومی از تنبیه‌کننده کمک می‌کند و به تغییر رفتار کمک می‌کند و به خوبی درک می‌کند که انجام چنین رفتاری در آینده اصلاً مناسب نیست. همچنین کودک را قادر می‌سازد تا یک عمل را به درستی با تنبیه مرتبط کند. با این حال، وستن (۱۹۹۹) اصرار دارد که تنبیه زمانی مؤثرتر است که با استدلال همراه باشد و زمانی که فرد تنبیه شده برای رفتار جایگزین و قابل قبول نیز تقویت شود. (Nash, & Bernstein, ۲۰۰۲).

از سوی دیگر، تنبیه نباید شامل آزار فیزیکی باشد. به این معنا که مجازات‌کننده باید از تنبیه شدید بدنی اجتناب کند. در عوض او می‌تواند از حداقل مجازات لازم برای سرکوب رفتارهای نادرست استفاده کند. بدیهی است که تنبیه بدنی می‌تواند زمانی که در حالت عصبانیت انجام می‌شود آزاردهنده باشد زیرا کودکان تمایل دارند آنچه را که می‌بینند تقلید کنند. از این رو ممکن است بسیار پرخاشگر شوند. تنبیه بدنی در این زمینه باید به‌عنوان آخرین راه‌حل مورد استفاده قرار گیرد. سلب امتیازات یا تقویت‌کننده‌های مثبت معمولاً برای کودکان بهتر از تنبیه بدنی است. (Rosenberg, ۲۰۰۲ & Coon, ۲۰۰۱; Kosslyn)



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یک تنبیه‌کننده همچنین باید در اجرای مجازات ثابت‌قدم باشد. او باید در مورد آنچه به‌عنوان رفتار نادرست می‌داند کاملاً واضح باشد. این بدان معناست که هر بار که رفتار ناشایست رخ می‌دهد باید مجازات شود. اگر تنبیه به‌طور متناقض یا بدون اشاره به رفتار ارگانیک انجام شود، ممکن است منجر به درماندگی آموخته‌شده، واکنش فردی شود که در کنترل مجازات احساس ناتوانی می‌کند و بنابراین به‌هیچ‌وجه از دادن هرگونه واکنشی دست می‌کشد. به همین ترتیب، استفاده مکرر از تنبیه توسط آموزگار یا والدین ممکن است کودک را از یادگیری اینکه چه رفتاری تنبیه می‌شود، تحت چه شرایطی و چگونه از آن اجتناب کند، بازدارد (Lefton, ۲۰۰۲; Westen, ۱۹۹۹). همچنین برای مؤثر و معنادار کردن آن، تنبیه باید با تقویت مثبت دنبال شود تا رفتار مناسب کنترل و حفظ اگر تنبیه با تقویت رفتار بعدی که مناسب‌تر است دنبال نشود، موفقیت چندانی حاصل نخواهد شد. به‌طور خلاصه، تقویت رفتار مطلوب، فن مناسب‌تری برای اصلاح رفتار نسبت به استفاده از تنبیه است. درک این نکته بسیار مهم است که تقویت مثبت و منفی جنبه‌های حیاتی در تغییر رفتار پس از اجرای مجازات هستند. به‌عنوان مثال، آموزگاران و والدین ممکن است به پاداش رفتار خوب کودک و نادیده گرفتن رفتار نادرست کودک اشاره کنند. (Feldman, ۲۰۰۵)

## تأثیر تنبیه بر یادگیری دانش آموزان

تنبیه، به‌ویژه تنبیه بدنی، یکی از زمینه‌های نگرانی مدارس و مسئولان مدرسه است، زیرا مشخص شده است که تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی دارد. علیرغم این واقعیت، مجازات نیز تأثیرات مثبتی دارد. از این‌رو، در زیر به تأثیرات منفی و برخی مثبت تنبیه بر یادگیری دانش آموزان اشاره می‌شود. تنبیه باعث ایجاد ترس در دانش آموزان به‌ویژه در طول فرآیندهای تدریس و یادگیری می‌شود. (URT, ۲۰۰۶)

کودکان صرفاً یاد می‌گیرند که آموزگار را خشنود سازند و نه کسب مهارت و دانش برای رشد خود. تنبیه بدنی تحت تأثیر ترس انگیزه دانش‌آموز را برای یادگیری مخدوش می‌کند. دانش‌آموزانی که مورد آزار جسمی و عاطفی قرار می‌گیرند دچار اضطراب می‌شوند که باعث از دست دادن تمرکز و یادگیری ضعیف می‌شود. کون (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که اگر مدرسه به محیطی اضطراب‌زا برای دانش‌آموز تبدیل شود، این احتمال وجود دارد که عملکرد تحصیلی تأثیر منفی بگذارد. به همین ترتیب، دانش‌آموزی که تنبیه می‌شود، ترس را نه تنها با رفتار نامطلوب، بلکه با فردی که آن را اجرا می‌کند یا با موقعیتی که در آن رخ می‌دهد، مرتبط می‌کند. آموزگاری که تنبیه بدنی را اجرا می‌کند، دانش‌آموز را قادر می‌سازد تا علاقه خود را نسبت به موضوع از دست بدهد و نسبت به آموزگار و همچنین کلاس‌هایی که آموزگار اداره می‌کند، احساسات منفی داشته باشد. از این‌رو دانش‌آموز نمرات پایینی می‌گیرد (Coon, ۲۰۰۱).

باین‌وجود، آموزگاران که در کلاس فقط یک چوب به همراه دارند، به‌طور قابل‌توجهی بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. مطالعه انجام‌شده توسط کولنیا توجه به تنبیه بدنی نشان داد که آموزگاران که درحالی‌که چوبی در دست دارند وارد کلاس می‌شوند باعث ترس و لرز در کودکان می‌شوند. این وضعیت باعث می‌شود که دانش‌آموزان در یادگیری توجهی نکنند. به دلیل ترس، گاهی اوقات دانش‌آموزان ممکن است به‌طور مؤثر در ارائه مشارکت، ایده‌ها، تجربیات و نظرات در مورد آنچه در رابطه با درس می‌دانند شرکت نکنند. (URT, ۲۰۰۶)

آموزگاری که تنبیه بدنی را اجرا می‌کند ممکن است توسط دانش‌آموز اجتناب شود، وضعیتی که ممکن است رشد آموزشی کودک را مختل کند. در برخی موارد، دانش‌آموز حتی ممکن است برای اجتناب از آموزگار از حضور در مدرسه خودداری کند. مطالعات نشان می‌دهد که تنبیه بدنی دلیل مستقیم و قابل‌توجهی برای ترک تحصیل کودکان است. بسیاری از کودکانی که در





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معرض کتک زدن، دست‌وپا زدن یا سایر اعمال انضباطی قرار گرفته‌اند، گزارش داده‌اند که اغلب از فعالیت‌های مدرسه کناره‌گیری می‌کنند و از فعالیت‌های تحصیلی خودداری می‌کنند. (URT, ۲۰۰۶).

## جایگزین‌های تنبیه بدنی

از آنجایی که تنبیه بدنی روشی ناکارآمد، خطرناک و غیرقابل قبول برای کنترل و نگهداری انضباط به نظر می‌رسد، بهتر است جایگزینی برای آن داشته باشیم. به منظور حصول اطمینان از حداکثر رفتار و رفتار مثبت در مدرسه و خانه، والدین و آموزگاران باید به این گزینه‌ها نگاه کنند. یکی از راه‌های جایگزین ممکن برای مجازات، سلب امتیازات است. این نوع تنبیه می‌تواند برای مثال عدم تماشای تلویزیون باشد، به خصوص برای دانش‌آموزی که به دلیل تمرکز زیاد در تماشای برنامه‌های تلویزیونی مختلف به جای یادگیری، موفق نمی‌شود یا نمره پایین می‌گیرد. گاهی اوقات این امر می‌تواند شامل محدود کردن کودکان برای ملاقات دوستان یا عدم دریافت پول توجیبی باشد، در صورتی که به نظر می‌رسد همه این موارد عامل شکست او در کل فرآیند یادگیری باشد. با این کار، کودک می‌تواند با صرف زمان زیادی برای مطالعه رفتار خود را تغییر دهد تا عملکرد خوبی داشته باشد. (Gershoff, ۲۰۲۲).

والدین و دانش‌آموزان باید با دقت در تصمیم‌گیری در مورد مسائل مدرسه مشارکت داشته باشند. این موضوعات شامل تدوین و اجرای اهداف آموزشی و قوانین انضباطی همراه با حمایت رفتاری مثبت در صورت لزوم است. مشارکت والدین در تصمیم‌گیری ممکن است به آن‌ها کمک کند تا از قبل با آموزگاران تصمیم بگیرند که چگونه می‌توانند رفتارهای خوب را پاداش دهند و رفتارهای غیرقابل قبول را تنبیه کنند و بعداً قصدشان را با دانش‌آموزان در میان بگذارند. با این حال، به والدین و آموزگاران توصیه می‌شود که راه‌هایی را برای مربیگری دانش‌آموزان بد اخلاق به‌ویژه از طریق تقویت نگرش مثبت دانش‌آموز مشکل‌دار با تحسین و تمجید ایجاد کنند (Gershoff, ۲۰۲۲).

مدارس باید مقدار زیادی از مشاوران در مدرسه داشته باشند تا به آموزگاران کمک کنند تا دانش‌آموزان مشکل‌دار خود را به بزرگسالان دلسوز دیگری دسترسی دهند زیرا می‌توانند مدیریت خود و همچنین کنترل خشم و تکانه را به‌ویژه برای کودکان کوچک‌تر ارتقا دهند. استفاده از تنبیه بدنی در مدارس و افزایش فضای آموزشی بهتر مدرسه برای همه دانش‌آموزان خواهد بود؛ بنابراین، دانش‌آموزان مدرسه، آموزگاران و موضوعی که تدریس می‌کنند را دوست خواهند داشت. انصراف از تحصیل نیز زمانی کاهش می‌یابد که مدارس با مشاورانی برای کمک به آموزگاران و دانش‌آموزان در حل مشکلات و استرس‌هایشان کمک کنند که ممکن است آن‌ها را مجبور به اعمال تنبیه برای دانش‌آموزان خود کند. (Gershoff, ۲۰۲۲)

وقت استراحت نیز فن مناسبی است که آموزگاران می‌توانند از آن برای حفظ نظم در کلاس به جای اعمال تنبیه بدنی استفاده کنند. تایم اوت روشی است که در آن کودک از موقعیت خارج می‌شود و به عواقب رفتار توهین‌آمیز فکر می‌کند. وین (۱۹۹۲) به سه نوع عمده از زمان استراحت اشاره می‌کند. فرم اول، زمان خروج غیر حذف (دانش‌آموزان مجاز به مشاهده فعالیت‌های در حال انجام هستند اما شرکت نمی‌کنند)، شکل دوم، زمان محرومیت مستثنا کردن دانش‌آموزان از شرکت در کلاس و مشاهده فعالیت‌های جاری کلاس بدون حذف دانش‌آموز از کلاس درس و سوم از انزوا است (دانش‌آموز برای مدت زمان از پیش تعیین شده در یک منطقه جداگانه قرار می‌گیرد). برای مؤثر بودن، مهلت زمانی باید ثابت باشد و نباید بیش از حد طول بکشد. آموزگار همچنین باید سعی کند قبل از اینکه واقعاً آن را برقرار کند، هشدارهای کمی در مورد زمان استراحت بدهد و توضیح مختصری از رفتار نادرست و رفتار مورد نظر را دنبال کند. نارین (۱۹۹۹) چهار راهنمای اصلی را برای استفاده از زمان استراحت پیشنهاد می‌کند که زمان استراحت باید فقط به نحوی متناسب با تمرین و پشتیبانی توصیه شده استفاده شود.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با توجه به شدت رفتار، باید یک کارکرد آموزشی مشروع داشته باشد، باید سیاست‌های محلی (منطقه، مدرسه، آژانس) را با دستورالعمل‌های ایالتی در مورد استفاده از وقت استراحت همسو کند و رویه‌های کلاسی مکتوب باید قبل از استفاده از وقت استراحت ایجاد شود. (Nairne, ۱۹۹۹)

تنبیه را می‌توان با استفاده از تقویت مثبت جایگزین کرد. روانشناسان اصرار دارند که تنبیه به‌خودی‌خود روش مؤثری برای کنترل یا حذف رفتار نیست و توصیه می‌کنند رفتار کلاسی کودکان از طریق تقویت شود. به‌عنوان مثال، آموزگاران در کلاس ممکن است دانش‌آموزان را با قدردانی از عملکرد عالی او در خواندن یک درس، تقویت کنند. در مؤسسات آموزشی تانزانیا، دانش‌آموزانی که عملکرد خوبی از خود نشان می‌دهند، بر اساس آیین‌نامه مدرسه یا مؤسسه پاداش دریافت می‌کنند؛ اما در برخی مدارس آن دسته از دانش‌آموزانی که در آزمون‌ها و آزمون‌های مختلف عملکرد ضعیفی دارند، مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند. این به این دلیل است که رهبران مدرسه این تصور را دارند که تنبیه بدنی دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا برای اجتناب از آن‌ها تلاش کنند تا یاد بگیرند. اظهار می‌دارد که وقتی آموزگاران کودکان را به شیوه‌های مثبت و بدون خشونت تنبیه می‌کنند، کودکان یاد می‌گیرند که تعارض را می‌توان بدون تضعیف این احترام حل کرد. (Nairne, ۱۹۹۹)

## نکات کاربردی برای آموزگاران

۱. رویکرد مثبت و تربیت‌سازنده:  
از تنبیه بدنی به‌عنوان ابزار اصلی برای کنترل رفتار دانش‌آموزان پرهیز کنید و به‌جای آن، از روش‌های تربیت مثبت و سازنده استفاده کنید. انگیزه‌بخشی، تشویق و توجیه مناسب می‌توانند بهبود رفتار دانش‌آموزان را تسریع کنند.
۲. ارتقاء مهارت‌های مدیریت کلاس:  
آموزگاران باید مهارت‌های مدیریت کلاس را تقویت کنند تا بتوانند رفتارهای نامناسب را به مؤثری مدیریت کنند. ایجاد قوانین و توافقات واضح با دانش‌آموزان و اجرای منصفانه آن‌ها می‌تواند به کاهش نیاز به تنبیه بدنی کمک کند.
۳. آموزش مهارت‌های اجتماعی:  
آموزگاران می‌توانند مهارت‌های اجتماعی را به دانش‌آموزان آموزش دهند تا آن‌ها بتوانند احساسات خود را بهبود بخشند و رفتارهای نامناسب را کاهش دهند. این مهارت‌ها شامل حل تعارض، مهارت‌های ارتباطی و توانایی کار گروهی است.
۴. استفاده از تحقیقات و منابع آموزشی:  
برای بهبود روش‌های تدریس و مدیریت کلاس، آموزگاران باید به تحقیقات و منابع آموزشی جدید توجه داشته باشند. اطلاعات به‌روز در زمینه روش‌های مثبت تربیتی می‌تواند کمک کند تا تدریس و تربیت بهبود یابد.
۵. همکاری با دیگر متخصصان:  
همکاری با مشاوران تربیتی و روان‌شناسان مدرسه می‌تواند در مدیریت رفتار دانش‌آموزان و ارتقاء روش‌های تربیتی مؤثر به کمک شما بیاید.
۶. فراهم کردن محیط یادگیری مناسب:  
محیط آموزشی باید ایمن و حمایت‌کننده باشد تا دانش‌آموزان احساس امنیت کنند. آموزگاران مسئولیت ایجاد این محیط را دارند و باید به دقت به نیازها و ترجیحات دانش‌آموزان توجه کنند.
۷. آموزش مهارت‌های مدیریت خشم:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دانش‌آموزان ممکن است در مواجهه با استرس یا خشم به رفتارهای نامناسب بیفتند. آموزگاران می‌توانند به دانش‌آموزان آموزش دهند که چگونه با خشم خود به صورت مثبت و سازنده برخورد کنند.

۸. ایجاد ارتباط مثبت با دانش‌آموزان:

ایجاد رابطه‌های مثبت و ارتباط دوسویه با دانش‌آموزان می‌تواند به افزایش همکاری و کاهش رفتارهای نامناسب کمک کند. آموزگاران باید به دانش‌آموزان احترام و توجه کافی را ارائه دهند (درخشان و همکاران، ۱۴۰۱).

۹. آموزش به والدین:

همکاری با والدین نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. آموزگاران می‌توانند والدین را در مورد روش‌های مثبت تربیتی و مدیریت رفتار کمکی کنند تا این رویکردها در خانه نیز پیش برود.

۱۰. مداومت و صبر:

تغییر رفتارهای دانش‌آموزان نیاز به صبر و مداومت دارد. آموزگاران باید تمرکز خود را بر روی بهبود تدریس و تربیت داشته باشند و در طولانی مدت تغییرات را انتظار دهند (پور جمال، ۱۴۰۲).

در نهایت، تربیت و آموزش از جوانان، یک وظیفه بسیار مهم و مسئولیتی است که به آموزگاران و مدرسان سپرده شده است. به کمک روش‌های مثبت تربیتی و تدریس مؤثر، آموزگاران می‌توانند به شکلی مثبت و سازنده به توسعه دانش‌آموزان و بهبود محیط آموزشی کمک کنند.

## نتیجه‌گیری

در بحث تنبیه بدنی در مدارس، مسئله اصلی در اینجاست که آیا استفاده از تنبیه بدنی به‌عنوان یک راهکار در مدیریت رفتار دانش‌آموزان می‌تواند تأثیر مثبتی داشته باشد یا خیر. تحقیقات و بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که تنبیه بدنی ممکن است به کوتاه مدت منجر به کنترل رفتار شود، اما آثار منفی آن بر روی سلامت جسمانی و روحی دانش‌آموزان نیز چشمگیر است. تنبیه بدنی ممکن است احساسات منفی مانند ترس و اضطراب در دانش‌آموزان ایجاد کند و به جای حل مشکل، آن را تشدید کند.

به‌طور کلی تنبیه در مدارس روشی ناکارآمد، خطرناک و غیرقابل قبول برای کنترل و حفظ رفتار و انضباط به نظر می‌رسد، زیرا پیامدهای منفی به جای مثبت در کل فرآیند آموزش و یادگیری به همراه دارد (درخشان و همکاران، ۱۴۰۱). به نظر می‌رسد تنبیه بدنی باعث افزایش پرخاشگری کودک، افزایش رفتار ضداجتماعی، کاهش موفقیت‌های فکری، افزایش کیفیت پایین رابطه والد-آموزگار دانش‌آموز و ایجاد مشکل در سلامت روان می‌شود. از آنجایی که تنبیه باعث غیرانسانی کردن کودکان و ایجاد احساس خجالت، شرم و بی‌ارزشی در طی فرآیند یادگیری و تدریس در آن‌ها می‌شود، بهتر است در خانه و مدرسه حذف شود تا یادگیری مثبت تقویت شود. همچنین باید لغو شود، زیرا در حق دانش‌آموزان که باوقار رفتار می‌کنند، تداخل می‌کند و در نتیجه با حق تحصیل باکیفیت تداخل می‌کند. با این حال، هنگامی که آموزگار یا والدین احساس می‌کنند لازم است از تنبیه استفاده کنند، باید روی نکات مهم (راهنماها) تمرکز کنند تا آن را در تغییر رفتار دانش‌آموزان مؤثر کنند. با این وجود، باید تلاش بیشتری برای آموزش والدین و آموزگاران در مورد پیامدهای تنبیه بدنی و نیز جایگزین‌هایی که در دسترس آن‌ها است، صورت گیرد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که نظم و انضباط خوب مدرسه نه تنها به واکنش‌های غیر خوشونت‌آمیز به رفتار ضعیف دانش‌آموزان، بلکه به آموزگاران ماهر و آموزش‌دیده بستگی دارد. (Nairne, ۱۹۹۹)



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

باید یک آموزش حیاتی و کافی برای آموزگاران وجود داشته باشد تا به آن‌ها کمک کند تا به‌طور مؤثر کنترل کلاس را بدون توسل به فن‌های خشونت‌آمیز یا تهاجمی حفظ کنند. این را می‌توان از طریق ارائه آموزش‌های پیش از خدمت و حین خدمت به آموزگاران با توانایی به‌کارگیری فن‌های مدیریت رفتار که تعامل اجتماعی کلاس درس را در بین دانش‌آموزان ترویج می‌کند، انجام داد، این همچنین باعث ایجاد یک محیط یادگیری مثبت برای آن دانش‌آموزان می‌شود. کیم (۱۹۹۹) معتقد است که یکی از بهترین راه‌های جایگزین برای تنبیه، ارائه برنامه‌های ضمن خدمت در زمینه ارتباطات، مدیریت کلاس درس، درک رفتار و تفاوت‌های فردی و راه‌های جایگزین برای مقابله با بدرفتاری به‌جای استفاده از تنبیه بدنی است.

همچنین برای آموزگاران مهم است که از فن اصلاح رفتار برای تقویت رفتار خوب به‌جای استفاده از تنبیه استفاده کنند. اصلاح رفتار شامل استفاده از تکنیک‌های تقویت مثبت است که به رفتار مناسب پاداش می‌دهد و تکنیک‌های غیر خشونت‌آمیز را توسعه می‌دهد. همچنین شامل مشاهدات آموزگار از کودک، خاموش کردن رفتار نامناسب و استفاده از سیستم پاداش برای تشویق رفتار انطباقی در کلاس است. وستن (۱۹۹۹) اصرار دارد که اگر آموزگاران دانش‌آموزان خوش‌رفتار را توصیه کنند و به آن‌ها جایزه یا جایزه بدهند، دانش‌آموزان بیشتری سعی می‌کنند به یک فرد نمونه در مدرسه تبدیل شوند. در این جنبه، مدارس و آموزگاران باید تشویق شوند تا حمایت رفتاری مثبتی را توسعه دهند که در کاهش نیاز به نظم و انضباط خشن و درعین حال حمایت از یک محیط آموزشی ایمن و سازنده به‌جای تکیه بر تاکتیک‌های انضباطی خشن و تهدیدآمیز مؤثر بوده است (Westen, ۱۹۹۹).

بنابراین، توجه به روش‌های تربیت مثبت و سازنده و مدیریت رفتارهای دانش‌آموزان به شکلی مثبت‌تر، به‌عنوان راهکاری بهتر معرفی می‌شود. روش‌هایی مانند تشویق، ایجاد قوانین و توافقات مشترک با دانش‌آموزان، آموزش مهارت‌های اجتماعی و همکاری با والدین می‌تواند به کاهش رفتارهای نامناسب و بهبود ادرار دانش‌آموزان کمک کند. با توجه به تحقیقات و شواهد موجود، به نظر می‌رسد که استفاده از تنبیه بدنی در مدارس ممکن است آثار منفی بر روی دانش‌آموزان داشته باشد و این روش به‌عنوان یک راهکار مطلوب برای مدیریت رفتارهای نامناسب نمی‌تواند توصیه شود. به‌جای آن، از روش‌های تربیتی مثبت و تدابیری که به تقویت مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای مثبت دانش‌آموزان کمک می‌کنند، استفاده کنیم. این رویکردها می‌توانند به بهبود کیفیت آموزش و تربیت در مدارس و تأثیر مثبت بر رشد و توسعه دانش‌آموزان منجر شوند و محیط آموزشی را بهتر و ایمن‌تر کنند (پور جمال، ۱۴۰۲).



## منابع

۱. پور جمال، ملیحه (۱۴۰۲)، رابطه تنبیه بدنی با پرخاشگری، افسردگی و افت تحصیلی، هفتمین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش، تهران.
۲. درخشان، حسن و اکابر، فهیمه و توکلی نژاد، علی و سعادت دار، مریم، (۱۴۰۱)، پیامدها و ضرورت توجه به تنبیه بدنی در فرایند یادگیری دانش آموزان، دومین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پرورش.
۳. Bernstein, D.A & Nash, P.W. (۲۰۰۲). Essentials for psychology (۲nd ed). Boston; Houghton Mifflin Company.
۴. Cicognani, L. (۲۰۰۴) To Punish Or Discipline? Teacher's Attitudes towards the Abolition of Corporal Punishment. Johannesburg
۵. Coon, D. (۲۰۰۱). Introduction to Psychology: Gate Ways to Mind and Behavior (۹th Ed). London: Wadsworth.
۶. Feldman, R. (۲۰۰۵). Essentials of Understanding Psychology (۶th Ed. New York: Mcgraw Hill Companies, Inc
۷. Gazzaniga, M.S. (۲۰۰۳). Psychological Science: Mind Brain and Behavior. New York: W.W Norton and Company.
۸. Gershoff, E. T., & Font, S. A. (۲۰۲۰). Corporal punishment in US public schools: Prevalence, disparities in use, and status in state and federal policy. Psychology of Violence, ۱۰(۲), ۱۹۴-۲۰۵.
۹. Gichuru, M. (۲۰۰۴). The teacher efficacy for inclusive practices (TEIP) scale: Dimensionality and factor structure. Journal of Research in Special Educational Needs, ۱۶(۱), ۲-۱۲.
۱۰. Hyman Jr, I. E., Husband, T. H., & Billings, F. J. (۱۹۹۵). False memories of childhood experiences. Applied cognitive psychology, ۹(۳), ۱۸۱-۱۹۷.
۱۱. Kim, S.Y. (۱۹۹۹). Corporal Punishment in School. A review of the pros and cons retrieved in April ۱۹th, ۲۰۱۰ from.
۱۲. Kosslyn, S.M., & Rosenberg, R.S. (۲۰۰۲). Fundamentals of Psychology: The Brain, The Person, The World: New York: Person Education, Inc
۱۳. Lefton, L.A (۲۰۰۲) Psychology (۷th ed). Boston: a Pearson education company.
۱۴. McCord, J. (۱۹۹۱). Family relationships, juvenile delinquency, and adult criminality. Criminology, ۲۹(۳), ۳۹۷-۴۱۷.
۱۵. McNeil, E & Rubin, Z. (۱۹۹۷). The Psychology of Being Human. New York: Canfield Press.
۱۶. Murphy, L.W., & Virgins, D.J (۲۰۱۰). "Corporal Punishment on Schools and Its Effects on Academic Success. Retrieved in aril ۲۲nd ۲۰۱۰ from <http://www.aclu.org/human-rights-justice/violent-education-corpora-punishment-children-us-public-schools>
۱۷. Nairne, J.S. (۱۹۹۹). Psychology: The Adaptive Mind (۲nd Ed). Belmont: Wadsworth Thomson Learning.
۱۸. Patterson, G. R., Chamberlain, P., & Reid, J. B. (۱۹۸۲). A comparative evaluation of a parent-training program. Behavior therapy, ۱۳(۵), ۶۳۸-۶۵۰.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۹. Rafferty, Y., & Griffin, K. W. (۲۰۰۵). Benefits and risks of reverse inclusion for preschoolers with and without disabilities: Perspectives of parents and providers. *Journal of Early Intervention*, ۲۷(۳), ۱۷۳-۱۹۲.
۲۰. Tarimo, P.J. (۲۰۰۶). Determinants of the Attitudes of Primary School Teachers towards Corporal Punishment. M.A (Applied Social Psychology). University of Dar Es Salaam.
۲۱. TEN/MET. (۲۰۰۸). Position Paper: The State Of Child Protection in Tanzania “Key Articles In The Convention on The Rights of The Child About The Treatment Of Children In The Society.
۲۲. URT (۲۰۰۶). Ministry of Community Development and Gender and Children. Initial Tanzania Report to the African Committee of Experts on the African Charter on the Rights and Welfare of the Child.
۲۳. Westen, D. (۱۹۹۹). The scientific status of unconscious processes: Is Freud really dead?. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, ۴۷(۴), ۱۰۶۱-۱۱۰۶.